

چکیده

این پژوهش به دو هدف صورت گرفته است: نخست، بررسی وضعیت موجود و توجه به مولفه‌های مربوط به خرده فرهنگ‌ها بر اساس دو عنصر اهداف و محتوای برنامه درسی ایران، دوم، طراحی و اعتبارسنجی الگوی مناسب بر اساس دیدگاه متخصصان برنامه درسی که در آن تبدیل به وضعیت مطلوب شود.

روش پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی است که از طریق تحقیق ترکیبی از نوع اکتشافی، به بررسی و پاسخگویی سئوالات پژوهش می‌پردازد. از آن جا که ماهیت پژوهش مستلزم بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها، تجارب و نظرات استادان و صاحب نظران حوزه آموزش چندفرهنگی است، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه متخصصان حوزه برنامه درسی آموزش چندفرهنگی در آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور بود که برای نمونه‌گیری از آن‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر گلوله برفی استفاده شد. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات در سوال اول از روش تحلیل و بررسی کتاب‌های مربوط و در سوال دوم و چهارم از رویکرد مصاحبه، بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده در سوال نخست نشان داد که توجه به اقوام و فرهنگ‌ها در اهداف و محتوای برنامه درسی دوره متوسطه اول، کمترین جایگاه را دارد. در سوال دوم، تمامی متخصصان و استادان دانشگاه‌ها بر توجه به خرده فرهنگ‌ها در برنامه درسی اذعان داشتند. آنها دیدگاه‌های خود را در زمینه لحاظ کردن اهداف آموزشی، موضوعات و محتوای برنامه درسی مبتنی بر اقوام و فرهنگ‌های ایرانی به عنوان دو عنصر برنامه درسی بیان کردند. با استفاده از کد گذاری اولیه، دو عنصر هدف و محتوا از میان نظرات آنها استخراج گردید. سپس بر اساس دیدگاه‌های آنها الگویی مناسب برای توجه و دقت بیشتر به این مهم طراحی شد. الگوی طراحی شده، بیانگر توجه بیشتر مولفان و سیاستگذاران آموزش و پرورش به موضوع اهداف و محتوای برنامه درسی در توجه به اقوام و فرهنگ‌ها است. این الگو از دیدگاه متخصصان و دست‌اندرکاران آموزشی و دانشگاهی معتبر تشخیص داده شد.

واژگان کلیدی: خرده فرهنگ‌ها، برنامه درسی ایران، چندفرهنگی، اعتبارسنجی

۱- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲- استادیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. استاد راهنمای اول (نویسنده مسئول)

fana,fn1345@gmail.com

۳- دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه کردستان، ایران. استاد راهنمای دوم nematollah.azizi@gmail.com

۴- استادیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

مقدمه و بیان مساله

به هم، اما متفاوت هستند. این گروه‌های فرهنگی متفاوت می‌خواهند که به‌طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند و در کنار یکدیگر بیاموزند. این پژوهش به این پرسش بنیادین می‌خواهد پاسخ دهد که چه الگوی مناسب و استاندارد برای آموزش تاریخ، فرهنگ و دین، زبان و خط، تاریخ و جغرافیای اقوام در برنامه درسی وجود دارد تا همه بتوانند، اقوام موجود در درون کشور خود را بشناسند و با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند.

اهداف اساسی و مهم برنامه درسی بر اساس توجه به فرهنگ‌ها، اغلب مشخص هستند. اما برخی آن را بسیط و برخی خلاصه‌تر بیان نموده‌اند. از میان این صاحب‌نظران، دیویدمن (۱۹۹۷) اهداف برنامه درسی بر اساس فرهنگ‌های متفاوت رابه موارد اساسی زیر محدود می‌کند: برابری آموزشی، ارزش‌گذاری فرهنگی، طراحی محتوایی دانش، معرفی و ارائه عوامل یادگیری، دانش گسترده در باره گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی و درک مفاهیم بین فرهنگی بین گروهی، بین قومی در کلاس، مدرسه و جامعه. از دیدگاه میشل (۲۰۰۷). ارائه برنامه درسی بر اساس توجه به همه فرهنگ‌های داخل یک کشور حداقل برای تامین چهار هدف زیر صورت می‌گیرد؛ الف: برای درمان نژادپرستی در برنامه‌های درسی ب: برای ایجاد تفاهم بین گروه‌های نژادی وارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف ج: برای خنثی کردن تنش‌ها و تعارضات درون گروهی د: تلفیق و مرتبط ساختن برنامه‌های درسی با تجارب و سنت‌های افراد و گروه‌های مختلف افراد و

نظام آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان ناگزیر است که در کنار ارائه دانش‌های تخصصی، به دانش آموزان کمک کند که دانش و مهارت‌هایی را برای دستیابی به تعاملات فرهنگی موفق کسب کنند. در این راستا، از جمله رسالت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چند فرهنگی، آموزش حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی‌های چند فرهنگی است (شکاری و همکاران، ۱۳۹۲). اصطلاح آموزش بر اساس توجه به فرهنگ‌ها مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه جامعه‌شناسی آموزش پرورش قرار گرفته است. منظور از آن این است که به رغم گسترش ارتباطات بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی جهانی یا حداقل منطقه‌ای، مساله اقوام و ملیت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی بین آنها همچنان اهمیت خاصی دارد (جوادی، ۱۳۷۹). از نظر «کمیسیون آموزش چند فرهنگی» آموزش چندفرهنگی، مفهومی انسانی است مبتنی بر نقاط قوت تنوع، حقوق بشر و عدالت اجتماعی. این نوع آموزش، جامعه متکثر فرهنگی را به عنوان نیروی مثبت تلقی نموده و تفاوت‌ها را به عنوان فرصتی برای درک بهتر جامعه جهانی مطرح می‌نماید (ASCD8, 4331:9).

ایران از گروه‌های فرهنگی، زبانی و تاریخی و قومی مانند کرد، ترک، لر، بلوچ، ترکمن، عرب و غیر از فرهنگ غالب شکل گرفته است و هر کدام از این فاکتورها دارای ویژگی‌های هر چند نزدیک

توان در نتایج پژوهش‌هایی که به‌وسیله حمیدی‌زاده، ملکی، شیرینو شیرینی که در سال ۱۳۹۲، در ارومیه انجام شده مشاهده نمود. در این تحقیق رویکرد برنامه درسی چند فرهنگی در کشور از اسناد بالادستی استخراج شده است. سپس بر مبنای اطلاعات به‌دست آمده، مولفه‌های اصلی برنامه درسی چندفرهنگی، استنتاج شده و بر اساس آنها محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحلیل شده است. نتایج تحقیق آنان حاکی از ضعف شدید در توجه به برنامه درسی چند فرهنگی است. در پژوهش دیگری که با عنوان «آموزش چندفرهنگی در کتاب‌های درسی فارسی (خوانداری) دوره آموزش ابتدایی ایران» توسط هواس بیگی، صادقی، ملکی و قادری در سال ۹۷ انجام شده است، تحلیل محتوای کیفی کتاب‌ها نشان می‌دهد که فقط ردپای فرهنگ مسلط در کتاب‌های درسی به چشم می‌خورد. نظام آموزشی همچنان به‌دنبال پیاده سازی الگوی همسان‌سازی فرهنگی است که منجر به قتل زبان‌ها و فرهنگ‌های اقوام ایرانی می‌شود.

دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ماساچوست در دوره ای تخصصی با عنوان توسعه برنامه درسی در تعلیم و تربیت چند فرهنگی که پرفسور نیتو آن را برگزار کرد، بر موارد زیر تأکید کرده است: ضرورت بسط و توسعه مفهوم تعلیم و تربیت چندفرهنگی - آگاهی از روش‌های سازمان دادن و طراحی برنامه درسی چند فرهنگی - کاوش انواع رویکردها برای طراحی و پیروزی فعالیت‌های یادگیری چند فرهنگی -

نژادها. بنکس (۲۰۱۰)، یکی دیگر از پیشگامان برنامه درسی چند فرهنگی آموزشی، آن را یک دیدگاه پیشرو برای آموزش و پرورش می‌داند که بر پایه آرمان‌های عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌های آموزشی و به حداکثر رساندن توانمندی یادگیرندگان استوار است و به طورکلی کاستی‌ها، شکست‌ها و اعمال تبعیض‌گرایانه‌ای است که در جامعه جهانی وجود دارد. وی هدف اصلی آن را تاثیر بر تغییرات اجتماعی و راه رسیدن به این هدف را فرآیندی و در بردارنده سه نوع تغییر می‌داند: ایجاد تغییر در خود، ایجاد تغییر در نحوه آموزش و ایجاد تغییر در جامعه.

نتیجه پژوهش‌ها در زمینه تعامل بین قومی در ایران قابل تامل است. یافته‌های حسین بر (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که ارتباط میان برخی اقوام کشور با یکدیگر، بسیار ضعیف است. به طور مثال اقوام آذری، بلوچ، طالش و عرب تقریباً اطلاعات موثری از همدیگر نداشته و به همین سبب ارتباط زیادی نیز با یکدیگر برقرار نمی‌کنند. این مساله به عنوان امتیاز منفی برای نظام آموزشی در نظر گرفته می‌شود که نتوانسته است زمینه آموزش بین فرهنگی را فراهم آورد. یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها مانند پژوهش مرادپور، نادری و سیف نراقی در سال ۹۶ مویید این نتیجه هستند که موضوع فرهنگ‌های متفاوت، در طراحی برنامه درسی رسمی کشور تا اندازه زیادی مغفول واقع شده است. البته این کم توجهی، خاص برنامه‌های درسی نیست و در اسناد بالادستی و قوانین آموزشی کشور نیز آن طورکه بایسته است به این مسئله توجه نشده است. صحت این ادعا را می-

پردازد. در پژوهش‌های ترکیبی از نوع اکتشافی، نخست داده‌های کیفی جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند و از داده‌های کیفی برای تهیه ابزار پژوهش کمی استفاده می‌شود و سپس به گردآوری و تحلیل داده‌های کمی پرداخته می‌شود. در نهایت، یک تفسیر و جمع‌بندی کلی از نتایج هر دو روش در قالب یک مطالعه صورت می‌گیرد. این طرح از لحاظ زمانی به صورت متوالی، و از نظر وزن نیز بیشتر متوجه مرحله اول است و داده‌ها هم از طریق تحلیل داده‌های کیفی و به عنوان ابزاری در هنگام جمع‌آوری داده‌های کمی با یکدیگر مرتبط می‌شوند. (کرسول، ۲۰۱۲)

شیوه و مراحل اجرای پژوهش:

آشنایی گسترده با انواع منابع در برنامه درسی چند فرهنگی - کاربرد انواع رویکردهای چند فرهنگی در تدریس - توسعه برنامه درسی چند فرهنگی که می‌توان در محیط‌های واقعی آموزش از آن استفاده شود. (Nieto, 2002) بر اساس پیشینه نظر و تعریف برنامه درسی به عنوان یک سند سیاسی، اجتماعی، موظف است ارزش‌ها، باورها، توجه به زبان و خط، تاریخ، مذاهب متفاوت، هنر و دیگر عامل‌های متفاوت اجتماعی را در جامعه کلی منعکس سازد. شواهد نشان دهنده این واقعیت است که برنامه درسی رسمی در ایران در انعکاس این موضوع مناسب عمل نکرده است. این پژوهش می‌خواهد ضمن شفاف‌سازی ابعاد این کم‌توجهی، به صورت علمی و مستند زمینه ارائه الگویی جهت طراحی برنامه‌های درسی مطلوب در این ارتباط فراهم نماید، اهمیت نظری این پژوهش در این نکته نهفته است که تا ضمن بررسی وضعیت موجود، جایگاه ویژگی‌ها و تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی، تاریخی و هنری در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش رسمی ایران، یک الگوی مطلوب را برای آن ارائه نماید و همچنین به لحاظ کاربردی بتواند زمینه ارائه، طراحی و پیاده‌سازی این الگوی مطلوب را در نظام تعلیم و تربیت پیشنهاد نماید تا طراحان و سیاست‌گذاران در برنامه‌های آینده خود، آن را به کار گیرند.

روش شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی است که از طریق تحقیق ترکیبی از نوع اکتشافی، به بررسی و پاسخگویی سئوالات پژوهش می‌-

جدول شماره ۱- گام های اجرای پژوهش

ردیف	گامها	فعالیت ها
۱	گام اول بررسی و تحلیل محتوای کتاب- های انتخاب شده	- بررسی و تحلیل اسناد بالادستی -گردآوری و بیان نکات، محتوا، عکسها و نمادها در دروس - تجزیه و تحلیل داده های حاصل از بررسی تحلیل محتوا
۲	گام دوم: انتخاب متخصصان و استادان مرتبط با فعالیت در حوزه برنامه درسی چند فرهنگی	- تدوین مولفهها و ویژگی های برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها - تدوین سوالات مصاحبه و انجام کار کیفی - اجرای مصاحبه با نمونه اماری در راستای مطلوبیت برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها -گردآوری اطلاعات حاصل از مصاحبه با متخصصان - تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها - جمع آوری اطلاعات کیفی
۳	گام سوم: تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه نتایج و یافتههای پژوهش و تدوین الگو	- تجزیه و تحلیل داده ها - ارائه نتایج و یافته های پژوهش - تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه نتایج و یافته های پژوهش و تدوین الگو - تدوین الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها برای دوره متوسطه اول
۴	گام چهارم: اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی بر اساس توجه به خرده فرهنگها	- اجرای مصاحبه مرتبط با اعتبارسنجی الگو بر اساس خصایص و ویژگی های عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی به منظور اعتبارسنجی ارایه نتایج اعتبارسنجی

یافته های تحقیق:

برای بررسی این موضوع، کل محتوای کتابهای درسی تفکر و سبک زندگی، فارسی، فرهنگ و هنر و مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه که به لحاظ موضوعی و محتوایی ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق دارند مورد تحلیل قرار گرفت.

سوال اول: با توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» وضعیت موجود خرده فرهنگهای ایرانی در برنامههای درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

جدول شماره ۲- تحلیل محتوای همه کتابهای درسی (متن، عکس، تمرین) براساس میزان توجه به خرده فرهنگها^۱

مواد درسی	موضوعات	متن	عکس	تمرین
فارسی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۴۱	۳۹	۳۶
	مباحث متفرقه	۱۵۱	۷۸	۸۳
فرهنگ و هنر (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۲	۱	۰
	مباحث متفرقه	۲۵۰	۱۱۷	۱۰۸
مطالعات اجتماعی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۲	۱	۰
	مباحث متفرقه	۲۸۵	۱۳۷	۱۵۲
تفکر و سبک زندگی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۰	۰	۰
	مباحث متفرقه	۱۰۴	۵۷	۵۹

^۱ (اعداد نشانگر موضوعاتی است که در کتابها مورد استفاده قرار گرفته است)

داده‌های درج شده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در محتوای دروسی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، کمترین توجهی به مباحث مربوط به خرده فرهنگ‌های ایرانی صورت نگرفته است و همه مباحث و موضوعات مطرح شده در قالب نگاه کلی و مباحث متفرقه به اهداف و محتوای برنامه درسی است. به طور مثال در دروس فرهنگ و هنر، مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی در مجموع هر سه پایه تحصیلی کمترین نگاهی به مسائل فرهنگی و هنری، تاریخ و جغرافیا، خصیصه اجتماعی و سبک زندگی اقوام ایرانی نمی‌شود.

سوال دوم. وضعیت مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

برای بررسی و پاسخ دادن به این سوال پژوهش و برای جمع‌آوری نظرات شرکت‌کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت و در نهایت با دوازده نفر از متخصصان مطالعات برنامه درسی مصاحبه به‌عمل آمد. در ادامه نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته ذکر شده است. قابل توضیح است که برای هر کدام از افراد یک کد در نظر گرفته شد که در توصیف و تشریح نظرات آنها از کد اختصاصی استفاده شد.

۱. اشباع نظری Theoretical saturation نقطه‌ای در تحقیقات کیفی است که نشان دهنده کفایت داده‌های گردآوری شده جهت تحلیل و ارائه گزارش نهایی است.

جدول شماره ۳- کد گذاري ويژگي ها و عناصر استخراجي در بعد هدف از نظر مصاحبه شوندهگان

ويژگي	عناصر استخراج شده از مصاحبه ها
زباني	۱. سازماندهي اهداف با توجه و اهميت به برنامه درسي چند زباني ۲. توجه دروسي با عنوان زبان مادري براي مناطق مختلف
فرهنگي	۴. سازماندهي اهداف با توجه به: توسعه تفكر، توانمند سازي و ارتقاي هويت قومي ۵. با توجه برجسته ساختن و به تصوير كشيدن آرمانها، ايدالها و انتظارات اجتماعي ۶. با توجه به پيشنه ي فرهنگي دانش آموزان ۷. با نگرش و برخورد مثبت با تنوع فرهنگي، قومي و زباني ۸. با توجه به هنجارها و ارزش هاي متنوع گروه هاي قومي ۹. همراه با نگرش و برخورد مثبت با گروه هاي قومي و فرهنگي ۱۰. با توجه بر وجود و پذيرش اقوام ۱۱. با توجه جايگاه اقوام ايراني در رشد و توسعه کشور ۱۲. با توجه به بازات، سلحشوريها و نمود واقعي اقوام ۱۳. بر اساس همكاري و مشاركت تامي دانش آموزان ۱۴. مبتني بر آداب و رسوم و عقايد اجتماعي همه اقوام و ملتها ۱۵. با تعامل درون فرهنگي و برون فرهنگي سالم ميان دانش آموزان ۱۶. با توجه به فرهنگ و تمدن اقوام ۱۷. با توجه مساله هويت قومي ۱۸. با توجه مولفه خود آگاهي قومي ۱۹. با توجه حفظ سرمايه هاي قومي ۲۰. با توجه شناخت آگاهي از اقوام مختلف ايراني ۲۱. با توجه سبكهاي تغذيه اقوام و غذاي هاي محلي
ديني	۲۲. سازماندهي اهداف با توجه به برنامه درسي مذاهب ۲۳. با توجه به تحكيم وحدت و همبستگي ملي و تقريبات مذاهب ۲۴. با توجه فرصت هاي يادگيري بر مبناي عقايد و باورهاي ديني ۲۵. با توجه زمينه تحمل و احترام به دين، مذاهب و عقايد ديگر ۲۶. با توجه به مولفه هاي ديني بر مبناي دين و مذهب اقوام ۲۷. با توجه به مباني ديني اقليت هاي ديني در قالب كتاب مشخص
ارزش ها و باورهاي اجتماعي	۲۸. سازماندهي اهداف با توجه به آداب و رسوم همه اقوام ۲۹. با توجه به واقعيات محيطي اقوام و فرهنگ هاي مختلف ۳۰. با توجه به بازشناسي، حفظ و گسترش تاريخ هنر و فرهنگ اقوام ۳۱. با توجه به ايجاد فرصت هاي ابراز وجود در زمينه هاي داستان، سرود، نمايش هاي قومي و بيان ان ۳۲. با توجه به آموزش مهارت هاي اساسي پژوهش در زمينه ارزش ها و باورهاي اجتماعي ۳۳. با توجه به مراسمات ملي و قومي و ميهنی ۳۴. با توجه به پيوند عاطفي نسل ها ۳۵. با توجه به مراسمات ازدواج اقوام ۳۶. با توجه به تعريف تفاوت هاي فرهنگي به عنوان يك ظرفيت
	۳۷. باتوجه به ارزش هاي دروني مانند عزت نفس، نقد و انتقاد پذيري، مسئوليت و پاسخگوي ۳۸. با توجه به آداب و رسوم مراسمات شادي و ازدواج و عروسي هر کدام از اقوام بر مبناي پيشينه ۳۹. با توجه به انواع مختلف غذاهاي اقوام مختلف و همچنين ارزش غذايي آنها ۴۰. با توجه به انواع مختلف لباس ها و طرز پوشش هر کدام از اقوام. ۴۱. باتوجه به مراسمات عزاداري و و فلسفه برگزاري هر کدام از آنها براي هر يك از اقوام ۴۲. باتوجه به احترام به حقوق شهروندي در حوزه هاي مربوط به اقتصاد، شغل، سياست ..

<p>۴۸. با توجه به بهبود تعاملات درون‌گروهی و بین فرهنگی در قالب هنر</p> <p>۴۹. با توجه به گروه‌های فرهنگی و قومی و مراسم‌های میهنی آنها</p> <p>۵۰. با توجه به معرفی پوشش‌های مختلف اقوام ایرانی</p> <p>۵۱. با توجه به صنعت گردشگری و اکولوژی آنها</p> <p>۵۲. با توجه به بازی‌های محلی اقوام</p>	<p>۴۳. سازماندهی اهداف با توجه به صنایع دستی و هنرهای نمایشی</p> <p>۴۴. با توجه به شعر، آواز، رقص و موسیقی و سازهای محلی</p> <p>۴۵. با توجه به تعریف، نمود، جایگاه و ویژگی‌های رقص محلی</p> <p>۴۶. توجه به هنر و زیبایی شناسی با تکیه به موضوعات محلی</p> <p>۴۷. با توجه به ظرفیت و توانمندی اقوام و ملت‌های مختلف در زمینه هنر و زیبایی شناسی</p>	هنر و زیبایی‌شناسی
<p>۵۹. با توجه به اقوام در مسیر زمان، تاریخ زندگی آنها، مبارزات و جنگ‌های آنها در دفاع از سرزمین</p> <p>۶۰. با توجه به آشنایی با طوایف و قبیله‌ها و تاریخ معیشت آنها</p> <p>۶۱. با توجه به جغرافیای سرزمینی هر یک از اقوام</p> <p>۶۲. با توجه به تاریخ دانشنامه مشاهیر اقوام ایرانی و نقش آنها را در دوران خود</p> <p>۶۳. با توجه به چگونگی اسکان اقوام مختلف در نواحی جغرافیایی</p>	<p>۵۳. سازماندهی اهداف با توجه به مکان و زمان دو عنصر مهم در زندگی اقوام ایرانی</p> <p>۵۴. با توجه به تاریخ و جغرافیای اقوام و فرهنگ‌های ایران</p> <p>۵۵. با توجه به جغرافیای اقلیمی، فرهنگی و سیاسی اقوام</p> <p>۵۶. با توجه به تاریخ شعر و ادبیات محلی</p> <p>۵۷. با توجه به اقوام و نقش آن در رشد و توسعه منطقه و کشور</p> <p>۵۸. با توجه به میراث تاریخی، تمدن، بناها و سنگ نوشته‌ها و غارها</p>	جغرافیا و تاریخ

جدول شماره ۴- کد گذاری ویژگی‌ها و عناصر استخراجی در بعد محتوا از نظر مصاحبه شوندگان

عناصر استخراج شده از مصاحبه‌ها	ویژگی	
<p>۵. در کنار زبان رسمی جامعه، به زبان مادری توجه شود</p> <p>۶. سنت‌های دیرینه زبان، در محتوا حفظ شود</p> <p>۷. خط و رسم الخط نوشتاری اقوام در برنامه درسی تدارک دیده شود</p> <p>۸. دانش زبانی، رشد و توسعه داده شود</p> <p>۹. سر فصل‌های برای آموزش لهجه‌های مختلف اقوام تعریف شود</p>	<p>۱. محتوای برنامه درسی به شکل چند زبانی ارائه شود</p> <p>۲. استفاده از داستان نویسی به زبان محلی در محتوای برنامه درسی</p> <p>۳. اصطلاحات مختلف زبان مادری در طراحی برنامه درسی آورده شود</p> <p>۴. در طراحی برنامه درسی، تنوعات قومی و زبانی مد نظر قرار داده شود</p>	زبان

<p>۱۷. آداب و رسوم و عقايد اجتماعي همه اقوام و ملتها در محتوا آورده شود</p> <p>۱۸. حفظ تعامل درون فرهنگي و برون فرهنگي سالم ميان دانش آموزان</p> <p>۱۹. مسئله هويت قومي و سرمايه هاي قومي در محتوا حفظ شود</p> <p>۲۰. سبك هاي تغذيه اقوام و غذاي هاي محلي آنها در محتوای درسي</p> <p>۲۱. طراحي محتوا بر محور احترام به تنوع و عدم تحقير گروه هاي قومي</p> <p>۲۲. طراحي محتوا همراه با نگرش و برخورد مثبت با گروه-هاي قومي</p>	<p>۱۰. در محتوا به توانمند سازي و ارتقاي هويت قومي توجه شود</p> <p>۱۱. در محتوا از يکسان گرایی و قالب سازي فرهنگي پرهيز شود</p> <p>۱۲. آرمانها، ايدهالها و انتظارات اجتماعي به تصوير کشيده شود</p> <p>۱۳. محتوا برنامه درسي با پيشنه فرهنگي ارتباط داده شود</p> <p>۱۴. حس غرور فرهنگي و هويت قومي در محتوا آورده شود</p> <p>۱۵. ارزش هاي متنوع گروه هاي قومي و فرهنگي در محتوا آورده شود</p> <p>۱۶. طراحي محتوا بر اساس جايگاه اقوام ايراني در رشد و توسعه کشور</p>	<p>سوسيال</p>
<p>۲۶. طراحي محتوا با توجه به مولفه هاي ديني بر مبناي دين و مذهب اقوام</p> <p>۲۷. با توجه به مباني ديني اقليت هاي ديني در قالب درس مشخص</p>	<p>۲۳. طراحي محتوا بر اساس تحکيم وحدت و تقريب مذاهب</p> <p>۲۴. طراحي محتوا مبتني بر فرصت هاي يادگيري بر مبناي عقايد ديني</p> <p>۲۵. طراحي محتوا زمينه تحمل و احترام به دين، مذاهب و عقايد ديگر</p>	<p>دين</p>
<p>۳۴. طراحي محتوا براساس توجه به مراسمات ازدواج اقوام</p> <p>۳۵. طراحي محتوا براساس تعريف تفاوت هاي فرهنگي به عنوان يک ظرفيت</p> <p>۳۶. طراحي محتوا بر اساس توجه به غذاهاي اقوام مختلف</p> <p>۳۷. طراحي محتوا بر اساس انواع مختلف لباس ها و طرز پوشش هر کدام از اقوام.</p> <p>۳۸. بر اساس مراسمات عزاداري و و فلسفه برگزاري هر کدام از آنها</p> <p>۳۹. طراحي محتوا بر اساس احترام به حقوق شهروندي اقوام ايراني</p>	<p>۲۸. طراحي محتوا بر اساس آداب و رسوم همه اقوام</p> <p>۲۹. طراحي محتوا براساس واقعيات محيطي اقوام و فرهنگ هاي مختلف</p> <p>۳۰. بر اساس بازشناسي، حفظ و گسترش تاريخ هنر و فرهنگ اقوام</p> <p>۳۱. بر اساس ايجاد فرصت هاي ابراز وجود در زمينه هاي متنوع</p> <p>۳۲. طراحي محتوا بر اساس توجه به مراسمات ملي و قومي و ميهني</p> <p>۳۳. طراحي محتوا بر اساس پيوند عاطفي نسل ها</p>	<p>ارزش ها و باورهاي اجتماعي</p>

<p>۴۶. طراحی محتوا بر اساس توجه به صنایع دستی و سوغات و آنها</p> <p>۴۷. طراحی محتوا بر اساس معرفی پوشش‌های مختلف اقوام ایرانی</p> <p>۴۸. طراحی محتوا بر اساس توجه به صنعت گردشگری و اکولوژی آنها</p> <p>۴۹. طراحی محتوا بر اساس توجه به صنایع دستی اقوام</p> <p>۵۰. طراحی محتوا بر اساس بازی‌های محلی اقوام</p> <p>۵۱. طراحی محتوا بر اساس جایگاه رقص محلی اقوام در زندگی آنها</p>	<p>۴۰. طراحی محتوا بر اساس صنایع دستی و هنرهای نمایشی</p> <p>۴۱. طراحی محتوا بر اساس شعر، آواز، رقص و موسیقی و سازهای محلی</p> <p>۴۲. بر اساس تعریف، نمود، جایگاه و ویژگی‌های رقص محلی</p> <p>۴۳. بر اساس توانمندی اقوام و ملت‌ها در زمینه هنر و زیبایی‌شناسی</p> <p>۴۴. بر اساس بهبود تعاملات درون‌گروهی و بین فرهنگی در قالب هنر</p> <p>۴۵. بر اساس توجه به اقوام و فرهنگ‌ها و مراسم‌های میهنی آنها</p>	هنر و صنایع
<p>۵۸. بر اساس تاریخ اقوام در مسیر زمان، مبارزات آنها در دفاع از سرزمین</p> <p>۵۹. طراحی محتوا بر اساس آشنایی با طوایف و قبیله‌ها و تاریخ معیشت آنها</p> <p>۶۰. طراحی محتوا بر اساس جغرافیای سرزمینی هر یک از اقوام</p> <p>۶۱. بر اساس تاریخ مشاهیر اقوام ایرانی و نقش آنها را در دوران خود</p> <p>۶۲. بر اساس چگونگی اسکان اقوام مختلف در نواحی جغرافیایی</p>	<p>۵۲. طراحی محتوا بر اساس تاریخ و جغرافیای اقوام و فرهنگ‌های ایران</p> <p>۵۳. بر اساس توجه به مکان و زمان دو عنصر مهم در زندگی اقوام</p> <p>۵۴. طراحی محتوا بر اساس جغرافیای اقلیمی، فرهنگی و سیاسی اقوام</p> <p>۵۵. طراحی محتوا بر اساس تاریخ شعر و ادبیات اقوام</p> <p>۵۶. طراحی محتوا بر اساس نقش اقوام در رشد و توسعه منطقه و کشور</p> <p>۵۷. بر اساس میراث تاریخی، تمدن، بناها و سنگ نوشته‌ها و غارها</p>	تاریخ و جغرافیا

خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) قابل ارائه است؟ از رویکرد تحلیل مضمون بهره گرفته شد. یافته‌های حاصل از این سؤال و سؤالات فرعی مرتبط با آن بعد از حذف کدهای مشترک (۱۲۵ کد اولیه) و تغییر، ادغام و یا اصلاح کدهای مفهومی که بیانگر دیدگاه استادان دانشگاه بود، تحت سه عنوان کلی: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر به شرح زیر انتخاب و توصیف گردیدند:

مضامین پایه:

سوال سوم: چه الگویی برای کاهش فاصله بین دو سطح موجود و مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) قابل ارائه است؟

برای تحلیل یافته‌های حاصل از سوال سوم پژوهش مبنی بر این‌که چه الگویی به منظور کاهش فاصله بین دو سطح موجود و مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی»

برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگ- های ایرانی به عنوان مضمون فراگیر شناخته شد. در جدول شماره ۴ مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و در نمودار شماره ۱ نیز شبکه مضامین مربوط به پدیده مورد مطالعه ترسیم شده است.

مضامین پایه، گزیده‌ای منتخب از نکات کلیدی، مشتمل بر ۲۱ مضمون است. از جمله این مضامین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. مطالعات فرهنگی و توجه به تفاوت‌ها، ۲. گفتمان دینی و توجه به تفاوت‌ها، ۳. متن‌نگری شامل خواندن، تفسیر و نقد؛ ۴. تربیت شهروند انتقادی، ۵. دستیابی به خود آفرینندگی، ۶. ساخت‌شکنی و گفتمان سازنده، ۷. دانایی محوری، تفکر انتقادی، ۸. ایجاد روحیه علمی و پژوهشگری ۹. بها دادن به دانش عملی ۱۰. حفظ سنت‌های دیرینه زبان ۱۱. توجه به فرهنگ عمومی، ۱۲. ارتقای خود آگاهی قومی ۱۳. حفظ سرمایه‌های قومی ۱۴. تحکیم مبانی ارزشی، شناخت اجتماعی ۱۵. شبیه‌سازی مباحث فرهنگی و اجتماعی ۱۶. هویت‌یابی ۱۷- تحکیم شناخت تاریخی و جغرافیای ۱۸. توجه به نیازها و ظرفیت‌های بومی ۱۹. یادگیری چندگانه مانند هنر و کیفی‌نگری ۲۰. ارتباطات گسترده ما بین یادگیرنده و منبع یادگیری ۲۱. محدود نشدن به چارچوب‌های ارزشی از قبل تعیین شده

مضامین سازمان‌دهنده:

مضامین سازمان‌دهنده استخراج شده از مضامین پایه پس از بررسی و مرتب شدن در ۴ گروه از مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند و شامل موارد زیر هستند:

تاکید بر گفتمان دانش، ۲. ایجاد شرایط برقراری دموکراسی، ۳. انتقال میراث فرهنگی، ۴. یادگیری اقتضایی و موقعیتی.

مضمون فراگیر:

جدول شماره ۵- ویژگی‌های اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی

مضمون اصلی	کدهای محوری	کدهای باز	بیان مفاهیم و عبارات	
برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگ‌های ایرانی (اهداف)	تاکید بر گفتمان دانش	توجه به فرهنگ عمومی،	مجموعه منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت	
		مطالعات فرهنگی و توجه به تفاوت‌ها	مطالعات فرهنگی عرصه‌ای بین رشته‌ای می‌باشد که در آن روابط بین قدرت و فرهنگ می‌تواند از چشم اندازهای رشته‌های علمی مختلف مورد بررسی قرار گیرد.	
		گفتمان دینی و توجه به تفاوت‌ها	گفتمان دینی این است که به فراگیران فرصت می‌دهد تا در محیط آموزشی شکایات و سوالات دینی خود را مطرح کند.	
		متن نگری شامل خواندن، تفسیر و نقد	متن چگونه اعمال قدرت می‌کند. این نشانه قدرت متن، زمینه یادگیری پایدار است	
	ایجاد شرایط برقراری دموکراسی	تربیت شهروند انتقادی	نظر یک شهروند انتقادی الزاماً به معنای اشتباه شمردن طرف مقابل نیست و هدف یک کار مورد احترام است، بلکه اعلام می‌شود که همان هدف را می‌توان از یک راه دیگر، به شکلی بهتر به دست آورد.	
		دستیابی به خود آفرینندگی	خلاقیت مهم‌ترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌کند. و به عنوان رسالت تعلیم و تربیت تلقی می‌شود.	
		ساخت شکنی و گفتمان سازنده	گفتمان سازنده به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است.	
		دانایی محوری، تفکر انتقادی	تفکر انتقادی، یا دانایی محوری یعنی تلاش در درست اندیشیدن برای به دست آوردن آگاهی قابل اعتماد در جهان می‌باشد. این روش شامل فرایندهای ذهنی اعم از تشخیص، تحلیل و ارزیابی داده‌ها است.	
		ایجاد روحیه علمی و پژوهشگری	روحیه علمی با مؤلفه‌هایی چون کنجکاوی، ژرف نگری، پرسشگری، وسعت دید، روحیه تسامح، تمایل به تفکر خلاق و واگرا و غیره یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های آموزشی محسوب می‌شود که از طریق آموزش قابل انتقال است.	
		بها دادن به دادن دانش عملی،	از این طریق می‌توان به درک متفاوتی از رابطه نظر و عمل در آگاهی اجتماعی رسید و مسائل و موضوعات و چالش‌های دنیای معاصر را توضیح داد.	
		انتقال میراث فرهنگی،	حفظ سنت‌های دیرینه زبان	در یک جامعه چند زبانی، صداها و مختلفی وجود دارد که ضرورت دارد به همه آنها به نوعی توجه شود.
			ارتقا خود آگاهی قومی	خودآگاهی در رابطه با مردمی که با آنها، پیوند قومی و نژادی دارد.
حفظ سرمایه‌های قومی	سرمایه اجتماعی اقوام و ملت‌ها را می‌توان منبع بالقوه جامعه برای توسعه اجتماعی در یک جامعه بزرگ‌تر دانست.			

با پدیده‌هایی همچون نگرش، دریافت، توجه، حافظه، پردازش اطلاعات، همانند دانستن همه اعضای یک گروه یا دسته، خودشناسی، داوری، تصمیم‌گیری، علت-یابی رفتار و دیگر پدیده‌های شناختی سر و کار دارد	تحکیم مبانی ارزشی، شناخت اجتماعی	یادگیری انتقادی و موفقیتی
شبهه سازی‌ها، بدین منظور استفاده می‌شوند که برای یادگیرنده امکان دسترسی به تجربه‌های یادگیری بدون خطر، بدون هزینه یا پیچیدگی زندگی واقعی را فراهم می‌آورند	شبهه سازی مباحث فرهنگی و اجتماعی	
هویت انسان با ارزش‌های ابتدایی او مرتبط است و سبب شکل‌گیری انتخاب‌هایش می‌شود.	هویت یابی	
شناخت تاریخی و جغرافیایی جزئیاتی از فرهنگ و تاریخ و ادبیات یک منطقه را با خود منتقل می‌کنند.	تحکیم شناخت تاریخی و جغرافیایی	
توجه به نیازها و ظرفیت‌های بومی در تدوین برنامه درسی علاوه بر سازگاری بیشتر برنامه درسی با نیازهای بومی، منجر به موفقیت برنامه درسی در مرحله اجرا نیز می‌شود.	توجه به نیازها و ظرفیت‌های بومی	
منظور از آموزش زیبایی شناختی، تواناساختن کودکان و نوجوانان به بیان ادراکات، احساسات، و ایده‌های خود از طریق شکل دهی تأملی رسانه‌هایی، نظیر: نقاشی، سفال، نگارش، موسیقی، و حرکات بدنی است.	یادگیری چندگانه مانند هنر و کیفی نگری	
گسترش روزافزون و سریع علم و شاخه‌های متعدد آن ایجاب می‌کند آموزش و پرورش به جای تأکید بر یاد گرفتن «چه چیز»، «چگونه» یاد گرفتن را آموزش دهد.	ارتباطات گسترده ما بین یادگیرنده و منبع یادگیری	
حوزه‌های نوین اشاره به دانشی دارد که بیش از یک زمینه محض دانشی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این روش برخورد فرصت عبور از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون دانش را با هدف رسیدن به نتیجه مطلوب در یک رشته فراهم می‌سازد.	محدود نشدن به چارچوب‌های ارزشی از قبل تعیین شده	

۱- تاکید بر گفتمان دانش:

کاربردی تعریف می‌شود. یعنی همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف نیز وجود ندارد. بلکه ما با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص و... مواجه هستیم. بر این اساس، آنچه که در متن مصاحبه شوندگان کاملاً مشهود است، توجه به این مهم است که برنامه درسی محلی برای گفتمان‌ها و مباحث عمومی جامعه در قالب‌های مختلف، نمایانگر واقعیت‌های اجتماعی باشد.

مفهوم گفتمان، تلاشی معرفت شناسانه برای پرهیز از به کار بردن مفهوم اجتماع به منزله یک پدیده کاملاً منسجم و تحت سیطره یک مرکزیت واحد (اصالت کلیت) است. گفتمان دانش، به معنی پرداختن مفصل و جزءبه‌جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است. گفتمان دانش از طریق درک انتقادی، درصدد تغییر اوضاع هستند، و کار آنها آشکارا تجویزی است. بدین معنی که هر نقدی بر اساس پیش‌فرض‌های یک اخلاق

۲- ایجاد شرایط برقراری دموکراسی:

آثار می‌تواند به اعتبارسنجی خاطرات گذشتگان کمک کند. امروزه آموزش می‌تواند با دقت بسیار، شکل و ظاهر میراث کهن را به دست آورد و داده‌های بسیاری را از شیوه زندگی گذشتگان ارائه کند. متأسفانه بیشترین خطری که میراث فرهنگی و تاریخ بومی مناطق را تهدید می‌کند، عدم توجه به آن‌ها از سوی سیاستگذاران آموزشی است. با این تحلیل، مصاحبه شوندگان نسبت به این قضیه بسیار تأکید می‌کنند تا در اهداف برنامه درسی به میراث فرهنگی اقوام ایرانی توجه شود و به صورت کامل و علمی اهداف آن تدوین و ارائه شود.

۴- یادگیری اقتضایی و موقعیتی:

رویکرد یادگیری موقعیتی، آن است که دانش‌آموزان زمانی که به صورت فعالانه در تجربه یادگیری مشارکت داده می‌شوند، تمایل بیشتری به یادگیری دارند. در واقع اصل مطلب در یادگیری موقعیتی، خلق معنا از فعالیت‌های واقعی زندگی روزمره است. عدم توانایی استفاده از آموخته‌ها در موقعیت‌های حرفه‌ای، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که دانش‌آموزان با آن روبه‌رو هستند. متخصصان آموزشی برای حل این مشکل، یادگیری موقعیتی را پیشنهاد می‌کنند. با توجه به بررسی متنی از مصاحبه‌ها، روشن است که نگاه مصاحبه شوندگان، متوجه یادگیری اقتضایی، بر اساس توجه به تفاوت‌هاست. توجه به موارد ذیل به عنوان رویکردی در جهت رسیدن به این مهم در برنامه درسی است. با توجه به شاخص‌های توصیفی در انتخاب اهداف و محتوا برای طرح برنامه درسی، در نمودار زیر الگوی برنامه درسی

دموکراسی، بی‌شک یکی از متداول‌ترین مفاهیم عصری است که ما در آن زندگی می‌کنیم. اغلب حکومت‌ها از ترتیبات دموکراسی به عنوان حاکمیتی شایسته، برای مشروعیت بخشیدن به خود استفاده می‌کنند. رسانه‌ها در نقد سیاست‌های حاکمان از دموکراسی به عنوان معیاری جهانی بهره می‌گیرند. نظریه پردازان و تحلیلگران علوم اجتماعی نیز سیر حرکت دموکراسی و تحولات و تغییرات آن را پیوسته دنبال می‌کنند. بنابراین ادبیات گسترده و رویکردهای متنوعی نسبت به دموکراسی وجود دارد. کوهن به درستی می‌گوید در هر جامعه‌ای زمینه‌های لازم و کافی برای تحقق دموکراسی متفاوت است. رسالت آموزش و پرورش هم در راستای تحقق اهداف متعالی بشریت در رسیدن به جامعه آرمانی بر اساس خواست همه آحاد ملت است. با توجه به اهمیت عنصر مردم‌سالاری در جامعه، اکثریت مصاحبه شوندگان بر اهمیت این موضوع به عنوان یکی از کارکردهای نظام تعلیم و تربیت تأکید کردند. مبنای توجه مصاحبه شوندگان در این راستا، توجه به همه اقوام و فرهنگ‌ها و توجه به مردم‌سالاری و دموکراسی در تدوین اهداف برنامه درسی است.

۳- انتقال میراث فرهنگی:

میراث‌های بر جای مانده از گذشتگان در مطالعه تاریخ بشر مؤثر هستند. حفظ آن‌ها، نیازهای گذشتگان را بازگو می‌کند و در پس هر یک، داستانی نهفته است. از دیدگاهی دیگر حفظ

بر اساس توجه به همه خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی ارائه شده است:



بر توجه به خرده فرهنگ‌ها، یعنی برنامه درسی، برای مردم و جامعه و در خدمت رشد و بازسازی و رهایی بخشی است. این تعریف، مفهوم دموکراسی در برنامه‌های آموزشی را شامل می‌شود. چنین برنامه‌هایی با اعتقاد به زمینه‌ای و منعطف بودن برنامه‌های درسی، ترویج عدالت اجتماعی و تصمیم‌گیری مشارکتی، رد دخالت سیاست‌مداران و تأکید بر مدیریت تخصصی برنامه‌های درسی

الگوی طراحی شده بیانگر آن است که در جامعه متکثر و چند فرهنگی ایران، برنامه درسی باید به دور از اقتدار گرایی آموزشی و مبتنی بر یک نظام برنامه‌درسی سازگارانه با واقعیات محیطی و محلی باشد. همچنین اهداف و محتوای برنامه‌های آموزشی و درسی را باید از پیشینه، ظرفیت، توانمندی و آینده‌سازی اقوام و ملت‌ها در بطن جامعه چند فرهنگی گرفته شود. برنامه درسی مبتنی

تلفنی بهره گرفته شد. در ادامه آنها نظرات خود را درباره الگو با شرحی مفصل بیان داشتند. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش، یک روش تحلیلی و مبتنی بر پژوهش کیفی است، نگارنده در تمام مراحل پژوهش، خود در فرآیند پژوهش، با دست اندرکاران و استادان حوزه تعلیم و تربیت ارتباط کاملی داشته است و خود عضوی از جامعه هدف و گردآوری اطلاعات بوده است. به گونه‌ای که مراحل تحقیق به شکل یک چیدمان منطقی و یا پازلی بوده است که نوشتن مرحله فعلی حتما منوط به تایید و اعتبار سنجی مراحل قبلی بوده است.

داده‌های به دست آمده از مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران نشان داد که اهداف و محتوای انتخاب شده برای برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگ‌ها با توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» مناسب و مطلوب هستند و اهداف و مولفه‌های ذکر شده در الگوی پیشنهادی نیازهای حال حاضر جامعه ما محسوب می‌شود که سیاست‌گذاران، مولفان و برنامه‌ریزان آموزشی و درسی باید به این مولفه‌ها در طراحی و تدوین اهداف و محتوا به آن توجه نمایند. در مورد تدوین اهداف در الگوی پیشنهادی صاحب نظران و استادان حوزه برنامه درسی، آن را به عنوان نقطه شروع برنامه درسی غیر متمرکز، هویتی جدید در برنامه درسی و گامی رو به جلو برای

و اهمیت دادن به یادگیرنده محوری (توجه به آزادی، تجارب فردی، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های اجتماعی، هویت فرهنگی و نقش فاعلی یادگیرنده)، پتانسیل لازم را در پرسش محور، گفتمان محور و بصیرت محور کردن برنامه‌ها فراهم می‌کند و در نهایت منجر به تربیت یادگیرنده نقاد و روشنگر می‌شود. در این شرایط است که اصول تخصصی برنامه درسی از جمله اصل انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، اصل توجه به نیازهای کودک، اصل مربوط به آینده نگری و... تحقق خواهد یافت.

۴- میزان اعتبارالگوی مطلوب پیشنهادی توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

برای تعیین میزان اعتبار و مطلوبیت الگوی پیشنهادی طراحی شده برنامه درسی، توجه به خرده فرهنگ‌های ایرانی با راهنمایی استادان محترم راهنما و مشاور، الگوی طراحی شده در اختیار ۱۲ نفر از استادان دانشگاه و چند فرهنگی در آموزش و پرورش به عنوان تخصص آنها قلمداد می‌شد. و متخصصان و کارشناسان ارشد آموزش و پرورش قرار گرفت، تا درباره مضامین مختلف الگو، اظهار نظر نمایند. برای این کار از روش‌های ارتباط حضوری و مصاحبه، ارسال فایل الکترونیکی و همچنین ارتباط

«الگوهای برنامه درسی که حاصل کار پژوهش‌های کیفی و نظام مند در سطح بالای علمی است، با توجه به شناخت جمعیتی در ایران مناسب به نظر می‌رسد. اما این حرکت نیازمند تغییر در سیاست‌گذاری آموزشی و نگاه منعطف و سازگارانه در برنامه درسی است. در مجموع این الگو مناسب است اما ضمانت اجرایی ندارد.» مصاحبه شونده شماره ۳-

«با مطالعه مضامین سازمان دهنده و پایه در این الگو و بر مبنای کارهای پژوهشی که بنده هم خود و هم با دانشجویانم داشته‌ام، بر اهمیت این حوزه در برنامه درسی چند فرهنگی بیشتر پی برده‌ام و اجرای آن را لازم و ضروری می‌دانم. این الگو تا حد زیادی می‌تواند نیازهای آموزشی جامعه ما را برطرف سازد.» مصاحبه شونده شماره ۴-

«عدالت و برابری آموزشی از طریق برنامه درسی فراگیر اتفاق می‌افتد. جامعه ایران، جامعه‌ای چند فرهنگی است. بنابراین طراحی برنامه درسی باید براساس همه فرهنگ‌ها باشد. استفاده از الگوهای برنامه درسی برای اجرا بسیار مفید به نظر می‌رسد.» مصاحبه شونده شماره ۵-

«با درک این مسئله که اهداف و محتوای برنامه درسی برخاسته از نیاز جامعه و نیاز فراگیران باشد. بنده به عنوان استاد مطالعات برنامه درسی این الگو را مبتنی بر نیاز بخش بزرگی از جامعه ایران می‌دانم که می‌تواند به

همسان‌سازی و عدالت آموزشی در نظام آموزش و پرورش می‌دانند. در زمینه‌های مربوط به طراحی محتوا، همه صاحب نظران و متخصصان، با شیوه و روش‌های مطرح شده موافق بودند و آن را تفکری نو در آموزش و پرورش بر اساس توجه به همه آحاد ملت ایران می‌دانستند. هر کدام از استادان و صاحب‌نظرانی که الگو را مطالعه نمودند، نظرات خود را به صورت توصیف و بیان عبارات اظهار داشتند، که در ادامه به صورت خلاصه نظرات هر کدام از آنها آورده می‌شود. «از آنجا که رسالت نظام تعلیم و تربیت، توجه به جایگاه والای افراد در جامعه است، باید بستر لازم را برای رسیدن به آموزش و یادگیری فراهم آورد. از این رو استفاده و اجرای مدل کنونی آموزش و پرورش، عدالت آموزشی را با توجه به کشور چند فرهنگی ایران به ارمغان نمی‌آورد. استفاده از الگوهای جدید در برنامه درسی یکی از راهکارهای رسیدن به عدالت آموزشی است که این الگو تا حد زیادی این امکان را فراهم می‌سازد» مصاحبه شونده شماره ۱-

«به نظر بنده آموزش و پرورش ایران نیاز به یک الگوی جدید اجرایی دارد که در آن به همه ملت به یک اندازه پرداخته شود. اهداف مطرح شده در این الگو بیانگر کثرت‌گرایی نیست بلکه توجه به همه دانش‌آموزان است و مناسب ارزیابی می‌شود.» مصاحبه شونده شماره ۲-

درسی در جامعه چند فرهنگی ایران است. این الگو می‌تواند بعضی از کاستی‌های نظام حال حاضر ایران را پوشش دهد و به عنوان رویکردی نو در آموزش و پرورش به شمار آید». مصاحبه شونده شماره ۱۰-

«مضامین سازمان‌دهنده این الگو نشان دهنده ضروریات و نیاز آموزشی یادگیرندگان است. اگر چه می‌توانست حوزه‌های دیگری را در برگیرد، اما این الگو را تا حدی مناسب می‌دانم» مصاحبه شونده شماره ۱۱-

«در دنیای امروز نهاد آموزش و پرورش بسیار پیچیده شده و دیگر نمی‌توان تنها با یک رویکرد به آن نگریست، باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. باید توجه داشت که جامعه برای تداوم حیات خود باید مشابهت‌ها و تفاوت‌های افکار، ارزش‌ها و هنجارها را در نظر بگیرد که آموزش و پرورش باید آن را از طریق الگوهای جدید تأمین کند. این الگو می‌تواند حیطه‌های مختلف آن را شامل شود». مصاحبه شونده شماره ۱۲-

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف طراحی اهداف و محتوا و همچنین ویژگی‌های الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به فرهنگ‌های ایرانی برای دوره اول متوسطه صورت گرفت. بعد از ترسیم ویژگی‌های الگو، نتایج نشان داد که برنامه درسی طراحی شده از دیدگاه استادان این حوزه از اعتبار خوب و مناسبی برخوردار است. در این راستا بررسی-

عنوان یک جایگزین به شمار بیاید.» مصاحبه شونده شماره ۶-

«با مطالعه این الگو در همه بخش‌های آن به این نتیجه رسیدم که تا چه اندازه برای همه دست اندرکاران نظام آموزشی مهم است که از تمرکز کم شود و به کثرت‌گرایی و توجه به همه بخش‌ها و فرهنگ‌های ایرانی باید پرداخته شود. این الگو و الگوهای دیگر در تحقیقات آموزشی می‌تواند رویکردی جدید نسبت به آموزش و پرورش باشد.» مصاحبه شونده شماره ۷-

«حوزه‌های مغفول برنامه درسی ایران بسیار گسترده است. ظرفیت‌ها و پتانسیل بسیار زیادی هم برای پرداختن به واقعیت‌ها وجود دارد. لازم است که به واقعیت‌ها و ظرفیت‌ها در آموزش و برنامه درسی توجه شود. این الگو بعضی از حوزه‌های مغفول برنامه درسی را پوشش می‌دهد و ظرفیت‌ها را هم به گونه‌ای معرفی نموده است.» مصاحبه شونده شماره ۸-

«استفاده از این الگو حوزه‌های مغفول و پنهان برنامه درسی ایران را روشن می‌سازد. رویکرد امروز نظام آموزش و پرورش ما، حوزه‌های زیادی دارد که به آن توجه نمی‌شود. یکی از آنها حوزه چند فرهنگی است. این الگو یکی از الگوهای مناسب برای اجرا به شمار می‌رود.» مصاحبه شونده شماره ۹-

«اهداف تعریف شده و محتوایی که در این الگو برنامه درسی تدوین شده است، نشان دهنده توجه دقیق به اهمیت برنامه

خشی و بی تفاوت است، مشاهده گردید. کاملاً روشن است که این سبک مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی، بیش از هر چیز، با مقتضیات و واقعیات عینی و تاریخی این جامعه در تعارض است. از این رو، وجود یک برنامه درسی چند فرهنگی حساس و پاسخگو نسبت به تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی در نظام آموزشی ایران، به عنوان یک حوزه مغفول و غایب مطرح است که می‌تواند عامل مهم تثبیت و تشدید بسیاری از شکاف‌ها و بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی در کشور باشد. شناخت جامعه ایران در شکل کلی آن و نگاه تخصصی به برنامه درسی در دوره های آموزشی کاملاً ضروری است. از این رو باید در مسیر برنامه درسی بر اساس توجه به همه قومیت‌ها و فرهنگ‌ها، ابعاد و کارکردهای مختلف آن مشخص گردد و بر مبنای آن تلفیق و امتزاج عناصر، مفاهیم، مطالب و محتواهای چند فرهنگی با برنامه‌های درسی دانش آموزان را مورد تاکید قرار بگیرد.

به‌طور کلی نتایج بدست آمده از سوال اول پژوهش، نشان می‌دهد که توجه به مقوله‌ها و مولفه‌های مربوط به خرده فرهنگ‌های ایرانی، کمترین جایگاه را در اهداف و محتوای برنامه درسی دارد. اهداف و محتوای برنامه درسی کاملاً در موضوعات کلی و بر اساس ساختار جامعه تک فرهنگی و مسلط است. نتایج بدست آمده از این پژوهش، با نتایج تحقیقات دیگر در این حوزه مانند

ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، زیاد طراحی نشده و ضعف پژوهش و یا عدم توجه به این حوزه محسوس است و به عنوان حیطة مغفول تحقیقات آموزش و پرورش به شمار می‌رود. در الگوی پیشنهادی بر اساس حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش، از همه سطوح فرهنگی و هویتی ایران شکل گرفته و پایه و اساس آن پژوهشی است. در این الگو فارغ از هدف نهایی آن که توجه، شناخت و باز نشر عناصر فرهنگی در ایران است، به اهداف جزئی و رفتاری آن برای جامعه هدف نیز پرداخته شده است. بر این اساس، اهداف نظام تعلیم و تربیت را در حیطة توجه به خرده فرهنگ‌ها محقق می‌سازد.

پاسخ به سوال اول:

وضعیت موجود توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است.

تنوع و تکرار جامعه ایران در ابعاد مختلف قومی، نژادی و فرهنگی مستلزم آن است که به گونه‌ای شایسته و مقتضی در برنامه‌های درسی و آموزشی مورد توجه قرار بگیرد. در بررسی شرایط موجود و حاکم بر کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه، هم در بعد اهداف و هم در بعد محتوا، سیطره و حاکمیت یک برنامه درسی عام و همگانی که اصولاً نسبت به تفاوت‌ها و تنوعات ذاتی جامعه ایران

کاملاً قابل انتقاد است. برنامه درسی اساساً یک سند اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مقوله‌ای زمینه‌مند و حساس نسبت به فرهنگ است و در صورتی اثربخش خواهد بود که عناصر تشکیل‌دهنده آن با ویژگی‌های فرهنگی جامعه و به تبع آن، با ویژگی‌های فرهنگی یادگیرنده، سازگار و متناسب باشد. تناسب اهداف و محتوای برنامه درسی، دانش آموزان را توانمند، با مهارت و همراه با نگرشی صحیح از جامعه متکثر بار می‌آورد. بر این اساس برای طراحی الگوی برنامه درسی، توجه به خرده فرهنگ‌ها، بسیار ضروری است و باید الگو و راهنمایی برای آموزش و پرورش در مدارس دوره اول متوسطه تبیین شود و توجه بیش از پیش برنامہ ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش را به این قلمرو تربیتی معطوف گردد. تا اقدامات و تلاش‌ها در این زمینه با پشتوانه نظری قابل دفاع و باجدیت بیشتر پیگیری شود.

پاسخ به سوال دوم:

وضعیت مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

مطالعات گوناگونی که در طول سال‌های اخیر صورت گرفته نشان می‌دهند که با وجود تنوع قومی در کشور ایران و ضرورت آموزش مراودت درست، همزیستی،

تحقیق علی‌رضا عراقیه (مجری طرح) و کوروش فتحی واجارگاه (استاد راهنما) ۱۳۹۷، حمیدی‌زاده، ملکی، شیرینی و شیرینی در سال ۱۳۹۲، وفائی و سبحانی نژاد ۱۳۹۵، کاملاً همسان و همسو است. توجه به مقوله‌های خرده فرهنگ‌ها، توجه به دانش آموزان و همه‌آحاد ملت ایران است که نیاز به توجه مضاعف و بازنگری جدی دارد. بر این اساس، محقق تلاش نموده تا الگوی جامعی در زمینه طراحی برنامه درسی بر اساس توجه به همه فرهنگ‌ها برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول ارائه دهد.

با توجه به تحلیل و بررسی‌ها از متون، تمرینات، عکس‌ها و تصاویر از کتاب‌های درسی در دوره اول متوسطه، علی‌رغم این‌که اهداف و محتوای برنامه درسی با توجه به خرده فرهنگ‌ها، در رشد و پرورش قابلیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان این مرز و بوم و نقشی اساسی دارد، اما این مقوله، کمترین جایگاه را در برنامه درسی نظام آموزشی دارد. با توجه به تعریف آیزنر از اقسام برنامه درسی به عنوان برنامه درسی رسمی، غیر رسمی و پوچ، این مقوله به عنوان برنامه درسی پوچ نظام آموزشی تلقی می‌شود. یعنی این‌که این برنامه درسی، مغفول واقع شده است. غفلت از برنامه درسی در حوزه خرده فرهنگ‌ها، چه در صورتی که مغرضانه و بر اساس خواست نهادها و سیاست‌گذاران آموزشی و سیاسی باشد و چه در صورتی که مورد بی‌توجهی صرف سیاست‌گذاران باشد،

آنها در حیطه‌های مربوط به اقوام و فرهنگ‌ها است، تهیه و تنظیم گردید. مولفه‌ها و حوزه‌هایی که در این پژوهش از سوی مصاحبه‌شوندگان ارائه گردید، با مطالعات و تحقیقات دیگر از جمله پژوهش هواس بیگی، صادقی و دیگران در سال ۹۶ و همچنین پژوهش عبدلی سلطان احمدی و صادقی در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه انجام شد همخوانی کاملی دارد. دستیابی به برنامه درسی مطلوب و مناسب، نیازمند شناخت همه جانبه ملت‌ها و اقوام ایرانی در حوزه زبان، فرهنگ و رسومات، هنر، تاریخ و جغرافیا، دین و آیین آنها است. با این توصیف، در دروس مرتبط، مشارکت برنامه‌ریزان و مولفان برنامه‌درسی از میان همه فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی و گروه‌های فعال اجتماعی در زمینه‌های مختلف در تعریف اهداف و تدوین محتوا لازم و ضروری است.

پاسخ به سوال سوم:

چه الگویی برای کاهش فاصله بین دو سطح موجود و مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) قابل ارائه است؟

محتوای برنامه درسی باید ناظر بر اهداف باشد و ریشه در فرهنگ و ارزش‌های جامعه داشته باشد. در انتخاب محتوا باید ضمن بهره گرفتن از منابع معتبر، باید مفاهیم اصلی و پایه خود را از بطن اجتماع، نیازهای

همبستگی و اتحاد کامل اقوام با یکدیگر، نوع نگاه به مسأله قومیت عمدتاً در زمینه فرهنگی و از جمله در نظام آموزش و پرورش و در برنامه درسی رسمی کم کاری صورت گرفته است. ایران به عنوان جامعه‌ای دارای قومیت‌های مختلف در حال گذر یا در حال توسعه است: در این میان، اغلب دانش‌آموزان و به ویژه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول که در سنین نوجوانی و جوانی قراردارند با فاصله گرفتن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود الگوی مناسب در زمینه عدم تبیین ارزشمندی قومیت‌ها و نقش آنها در شکل‌گیری هویت ملی و هویت‌یابی دچار تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی هستند و خود را سرگردان می‌بینند. در چنین شرایطی است که نابسامانی اجتماعی نیز زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت، سرخوردگی، احساس برتری، احساس حقارت، بی‌تعهدی، هنجارشکنی، احساس عدم مسئولیت در مقابل سایر قومیت‌ها و نارضایتی پدید می‌آورد. برای یافتن تعریف مطلوب بودن برنامه درسی، از دیدگاه صاحب‌نظران، استادان برنامه درسی و متخصصان آموزش و پرورش در حوزه‌های مختلف مصاحبه به عمل آمد و هر کدام از آنها دیدگاه‌های خود را مطرح ساختند که تمام آنها در زمینه توجه کامل برنامه درسی به قومیت‌ها و فرهنگ‌های ایرانی اشتراک نظر داشتند. در این زمینه فهرستی از موضوعات و مواردی که مرتبط با برنامه درسی و آموزش

مهارت صلح و دوستی، مهارت زبانی، مهارت‌های هنری، مهارت‌های شهروندی، مهارت‌های آگاهی قومی و همچنین مهارت‌های لازم زندگی از جمله مهارت‌های ارتباطی، مهارت تصمیم‌گیری و تفکر، خود آگاهی، مشارکت و همکاری مفید برای جامعه را کسب نمایند.

بر اساس اهداف حوزه نگرشی از دانش آموزان انتظار می‌رود که، درک ارزش‌های اخلاقی و احترام به هویت چند فرهنگی در کشور، درک جامعه هدفمند مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی، نگرشی چند گانه از یک دانش خاص، نگرش حساسیت نسبت به مسائل محیطی، نگرش همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های مختلف، نگرش‌های نژادی، نگرش عدم محدود شدن به چارچوب‌های ارزشی، نگرش چندگانه یادگیری و نگرش زیبایی شناسانه را کسب نمایند.

درون مایه اصلی این الگو، پرداختن جامع به همه فرهنگ‌ها و اقوام جامعه ایران در آموزش و پرورش بر اساس هدف نهایی آن است، در این زمینه شاخص‌ها و ابعاد کلی الگو با دیگر تحقیقات کیفی برنامه درسی مانند تحقیق جمال مرادپور و عزت الله نادری که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات انجام گرفته، تا حدودی همخوانی را دارد. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی بر چگونگی تعلیم و تربیت دانش آموزان تأثیر گذار است. عدم توجه به پتانسیل‌های آموزشی، محدودیت در

یادگیرنده، نیازهای اجتماع و آینده نگری جامعه برگزیند، در واقع محتوای برنامه درسی، بر اساس توجه به خرده فرهنگ‌ها باید بر آمده از جامعه و برای جامعه باشد. بر این اساس با توجه به اصل اعتبار به عنوان یکی از اصول انتخاب محتوا لزوم بازنگری همه محتواهای برنامه درسی چند فرهنگی مرتبط با مسایل اجتماعی و وقایع جاری بیش از پیش مورد انتظار است.

در این الگوی پیشنهادی اهداف در قالب سه حوزه دانش، توانش و نگرش تدوین شده است که هر یک از اهداف نشان دهنده جنبه ای خاص از کارکردهای مختلف اهداف برنامه درسی بر اساس توجه به خرده فرهنگ‌ها است. بر اساس یافته‌های تحقیق در اهداف حوزه دانشی از دانش آموزان انتظار می‌رود که توانایی ارزیابی سنت‌ها و آداب و اعتقادات، دانش شناخت و تحکیم هویت قومی و ملی، دانش اجتماع چند فرهنگی، دانش زبانی، دانش مذاهب توحیدی، دانش مکانی و تاریخی، دانش هنری، معرفت چند فرهنگی، شناخت قواعد و هنجارهای اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی، شناخت خصوصیات تفاوت‌های قومیتی، شناخت تکالیف و مسئولیت پذیری را کسب کنند.

بر اساس اهداف حوزه مهارتی استنتاج شده در این پژوهش از دانش آموزان انتظار می‌رود که، مهارت زندگی در جامعه چند فرهنگی، مهارت حل مساله، مهارت جغرافیایی و تاریخی مکان‌های مختلف،

به موارد زیادی از جمله تغییر در ساختارهای سیاسی، نگاه و تفکر معلمان، توجه به نقش برنامه درسی پنهان، در نظر گرفتن برنامه درسی پوچ، داشتن نظام آموزشی غیر متمرکز، توجه به نقش و جایگاه نهادهای مختلف اجتماعی و خصوصاً غیر دولتی و مراکز علمی، رسانه‌ها و بسیاری دیگر از حوزه‌ها بستگی دارد. در واقع این بستر نیازمند داشتن نگرشی جدید و نوعی هماهنگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تفکر علمی است.

به‌طور کلی در روش‌های آموزش بر مبنای توجه به همه فرهنگ‌ها در کشور تدوین چند نکته حائز اهمیت است: نخست آن‌که حتی الامکان از روش‌های متنوع در همه مراحل برنامه درسی از جمله اهداف و محتوا استفاده شود و به صرف یک روش خاص یا از پیش مهندسی شده استفاده نگردد. دوم آن‌که روش‌های آموزشی نباید مبتنی بر تحمیل و اجبار باشد. بلکه باید نظام آموزشی در مرحله تدوین اهداف و محتوا باید از حالت متمرکز و وفادارانه خارج شود و وارد نظام سازگاران شود. یعنی اهداف و محتوای برنامه درسی باید سازگار با ویژگی‌های فرهنگی و هویتی مناطق باشد.

کارکرد برنامه درسی با توجه به اقوام و فرهنگ‌ها، مواجهه با مسأله و تحقق وحدت و همبستگی ملی با استفاده از ظرفیت برنامه درسی رسمی در زمینه تقویت اشتراکات اقوام متنوع ایرانی است. رویکرد این راهبرد نیز با نگاه اتحاد، همدلی و صمیمیت است. این

قانون‌گذاری، کم توجهی نسبت به انتقال محتوا، فلسفه محافظه کارانه و همچنین نگاه مهندسی شده به آموزش و برنامه درسی و عدم دسترسی به محتوای آموزشی استاندارد برای همه دانش‌آموزان ایرانی، مدیریت رفتار دانش‌آموزان و آینده فکری آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. جلب مشارکت و حمایت همه اقشار اجتماع در سیاست‌گذاری، برنامه-ریزی و تهیه محتوای متناسب با حقوق همه فرهنگ‌ها در مدارس، تهیه منابع مبتنی بر توسعه فرهنگی و قومی و توجه به بستر فرهنگی جامعه هدف، باید به وسیله سیاست-گذاران آموزشی، مولفان و طراحان برنامه درسی و مدارس مورد توجه قرار بگیرد.

پاسخ به سوال چهارم:

میزان اعتبارالگوی مطلوب پیشنهادی توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه-های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

الگوی پیشنهادی یک مدل علمی پژوهشی برای متخصصان و مولفان برنامه درسی است که با توجه به مغفول ماندن و کمتر پرداختن به این حوزه بتواند در طراحی و تدوین اهداف و محتوا با نگرش جدید اقدام نماید. واقعیت این است که فرآیند آموزش در بستر توجه به همه فرهنگ‌ها، امری پیچیده است و از حوزه‌های مختلف تاثیر می‌پذیرد. چرا که پرداختن به این امر

رویکرد مثبت می‌تواند در وضعیت فعلی به روایت‌ها و نقل قول‌های بدون ساختار و غیر موثق در مورد قومیت‌های مختلف کشور سر و سامان دهد و در نهایت برنامه درسی مدارس در زمینه جایگاه قومیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد. این هدف، مستلزم برنامه راهبردی و مدون در زمینه قومیت‌ها در وزارت آموزش و پرورش است. در صورت تدوین آن و استفاده مطلوب از برنامه درسی رسمی زمینه تعامل، همزیستی و تقویت مشترکات اقوام افزایش می‌یابد و در نهایت، وحدت، وفاق و همبستگی ملی و هویت ملی تحقق خواهد یافت.

در این پژوهش ضرورت‌های توجه به برنامه درسی متناسب با اقوام و فرهنگ‌ها بیان شد. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت چند فرهنگی در جهان امروز و پذیرش توجه به نظام‌های آموزشی به این شیوه از تعلیم و تربیت، روی آوردن به الگوهای متناسب برنامه درسی در نظام آموزشی ایران، به دلیل برخورداری از شاخصه جامعه چند فرهنگی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. خلاصه آن که الگوی طراحی شده در این پژوهش می‌تواند آنچه را که امروز در نظام آموزشی جریان دارد و حیطه‌های را که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار داده است بازنمایی کند و روشن سازد. ضمن آن‌که می‌توان این الگو را گامی نو در تحول مطالعات برنامه درسی و توجه به آموزش، بر مبنای توجه به همه اقوام و فرهنگ‌های جامعه ایران قلمداد کرد.

Reference

1. Abdoli Sultan Ahmadi, Javad, 1393. Investigating the ratio of multicultural education components in Persian and social sciences courses from the perspective of curriculum planning specialists and teachers in order to design an appropriate model in the field, PhD thesis, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch. (Persian)
2. Iraqi, Alireza and Fathi Vajargah,, Kouros 1391. The place of multiculturalism in multicultural education and higher education. *Strategy and Culture Quarterly*, 5 (18-17), 204-187. (Persian)
3. - Iran, The Great Islamic Encyclopedia, Volume 10, Tehran, 2001. (Persian)
4. Arellano, J. (2011). The Use of Multicultural Literature in Elementary Classrooms: Teaching Acceptance and Understanding of Different Races, Ethnicities, and Cultures. A research paper, The Graduate School, University of Wisconsin-Stout.
5. Ameeriar, L. (2008). *Downwardly global: multicultural bodies and gendered labor migrations from Karachi to Toronto (Thesis) Stanford University*. Department of Anthropology.
6. Bahrapour, Shaban Ali, 2000, Introduction to Discourse Analysis, Discourse and Discourse Analysis, Tehran, Culture of Discourse. (Persian)
7. Apple, M. (2004). *Ideology and Curriculum*. New York and London Routledge Flamer.,
8. Asgarian, Mostafa, 2006. The place of ethnic culture in citizenship education. *Journal of Educational Innovation*, 5 (17), 78-55. (Persian)
9. Azizi, Nematullah, Boland Hemtan, Keyvan and Soltani, Massoud, 2010. Investigating the situation of multicultural education in teacher training centers in Sanandaj from the perspective of students. *Iranian Higher Education Association Quarterly*, 3 (2), 149-165. (Persian)
10. Banks, J. A., & Banks, C. A. M. (Eds.). (2004). *Handbook of research on multicultural education* (2nd Ed.). San Francisco, CA: Jossey-Bass
11. Banks, J. A, & Banks, C. A. M., (2010) *Multicultural Education: Issues and Perspectives* (7th ed.), New York: John Wiley.
12. Banks, J. A. (1993). Multicultural Education: Development, Dimensions, and Challenges. *The Phi Delta Kappan*. 75(1), 22-28.
13. Bloemraad, I. (2007). Unity IN Diversity? Bridging Models of Multiculturalism and Immigrant Integration. *Du Bois Review*, 4(2), 317-336.
14. Bic Ngo (2010). Doing "Diversity" at Dynamic High: Problems and Possibilities of Multicultural Education in Practice. *Education and Urban Society*, 42(4), 473- 495
15. Brown, L. (2013). An Immigration History of Britain: Multicultural Racism by Panikos Panayi. *English Historical Review*, 128, 225 - 227.

16. Eisner E. W. (1994). The Educational Imagination: on the Design and Evaluation of School Programs. Third end , New York : Macmillan College Publishing Company
17. Fathi Vajargah, Kourosh. 1392. Curriculum towards new identities. Tehran, Ayizh Publishing. (Persian)
18. Fazeli, Nematullah, 1390. Ethnography of education. Tehran, Scientific Publications. (Persian)
19. Gay, G. (2006). The importance of multicultural education. New York: Teachers College Press
20. . Ghalion, Borhan, 1999, Globalization and Dialogue of Civilizations, translated by Bagheri, (Persian)
21. Jenks, C., Lee, J. O., and Kanpol, B. (2001). Approaches to Multicultural Education in Preservice Teacher Education: Philosophical Frameworks and Models for Teaching. *Human Sciences Press the Urban Review*, 33(2), 87 – 105.
22. Journal of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, 2003, Third Volume, Tenth Year, No. 3 and 4, pp. 128-113 Globalization and its Challenging Consequences for Education. (Persian)
23. Hamidzadeh, Katayoun, Maleki, Hassan, Shiri, Mohammad and Shiri Fatemeh 1392, A study of the position of multicultural curriculum in the textbooks of literature, history and social sciences in the middle year of the 2012-2011 academic year National Conference on Multicultural Education, Urmia. (Persian)
24. Hinton, S. (2011). Ethnic Diversity, National Unity and Multicultural Education in China. *US-China Education Review* 5,726-739. Earlier title: US-China Education Review, ISSN1548-6613.
25. Khodabakhsh, Ghorbanpour Dastaki Journal of National Studies, Winter 2002, Revised October 31, 2014 . (Persian)
26. Laclau, E and Mouffe ,C(1993), " Hegemony and socialist strategy, Towards a Radical Democratic politics" , London, New york : verso .
27. Macroni, Galaleh and Boland Hemtan, Keyvan. 2014, multicultural education in elementary school textbooks. Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, 6 (21), 73-92. (Persian)
28. Maleki, Hassan, 2006. Curriculum Planning, Practice Guide, Tehran, Payame Andisheh Publishing. (Persian)
29. Mehr Mohammadi, Mahoud et al., 2009. Curriculum, views, approaches and perspectives. Mashhad: To be published. (Persian)
30. Moradpour, Jamal and Avari, Soleiman and Naderi, Ezatollah and Asareh, Alireza, 1399, Designing an integrated model of the curriculum of the first secondary school and its validation from the perspective of curriculum experts and relevant teachers, Fifth International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences , Management and Psychology, Tehran. (Persian)
31. Mouffe , Chantal (1995) " Radical Democracy, Modern or Post modern" , Translated by Poul Holdegrab er , in A.

- Ross(ed)universal Abandon ?
Politics of Post modernism. pp.31-45 ,--- ,university of Minnesota pres.
32. Nieto, S., & Bode, P. (2008). Affirming diversity: The sociopolitical context of multicultural education (5th Ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.
 33. Nik Nafs, Saeed and Aliabadi, Khadijeh. (2013) The role of content analysis in the process of teaching and designing textbooks. *World Media Journal*, 8, (2), 124-150,
 34. Niknam, Zahra; Mehr Mohammadi, Mahmoud; Fazeli, Nematullah and Fardanesh, Hashem. (2011) Teaching Experimental Sciences and Culture: Anthropological Explanation of Learning Experimental Sciences. *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 5, (20), 8-36. (Persian)
 35. Nourbakhsh, Younes, 2008, Culture and Ethnicity is a model for cultural communication in Iran. *Cultural Research Quarterly*, 1 (4), 67 -78. (Persian)
 36. Rahmani, Azra, Faqihi, Alireza, Hosseini Mehr, Ali and Sarmadi, Mohammad Reza. Validation of multicultural education components for elementary school design. *Journal of New Approach in Educational Management*, 7 (4), 233-250. (Persian)
 37. Sadeghi, Alireza, 2010. A study of the national curriculum document of the Islamic Republic of Iran based on the multicultural education approach. *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 5 (18), 215-190. (Persian)
 38. Sadeghi, Alireza, 2012. Features and necessities of developing a multicultural curriculum in Iran: a review of challenges and strategies. *Quarterly Journal of Strategy and Culture*. 5 (18-17), 121 -93. (Persian)
 39. Supriadi, D. (1999). Restructuring the Schoolbook Provision System in Indonesia: Some Recent Initiatives. *Education Policy Analysis Archives*, 7(7).
 40. Taghavi Moghadam, Mostafa, 2008 *Political Archeology of Iran*, Tehran: Institute of Contemporary Iranian Archaeological Studies, 1998. (Persian)
 41. Tajik, Mohammad Reza, 2004, *Discourse, Anti-Discourse and Politics*, Tehran, Institute for Research and Development of Humanities. (Persian)
 42. Vafaie, Reza and Sobhani Nazad, Mehdi, 1394. A component of multicultural education and its analysis in the content of textbooks. *Two Quarterly Journal of Theory and Practice in the Curriculum*, 3, (5), 111-128 . (Persian)
 43. Yousefi, Ali, 2001, Inter-ethnic relations and its effect on the national identity of ethnic groups in Iran. *National Studies Quarterly*, Volume 2, Number 8, pp. 11-42. (Persian)

